

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی  
سال هشتم، شماره پانزدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۰)



### هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائنی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعة المصطفی العالمیه)
- محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)،

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

سامانه فصلنامه: [www.mags.markafeqhi.com](http://www.mags.markafeqhi.com)

پست الکترونیکی: [mags@markazfeqhi.com](mailto:mags@markazfeqhi.com)

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)

مدیر مسئول:

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهوانندی

دبیر تحریریه:

مهدی مقدادی داودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

وحید حامد

مترجم انگلیسی:

احمدرضا عبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی

## Validation of the Definitive Calculations of the Birth of the Moon in the Legal Proving of the Crescent

*Sayyid Muḥammad Maḥdī Nūr Muḥīdī*<sup>1</sup>

### Abstract

In the challenging issue of proving the emergence of the crescent of the lunar month, most jurists, based on the appearance of evidence, consider the sensory vision as the only criterion. However, with the new scientific findings, the exact time of the birth of the moon can be determined with certainty. This article tries to challenge the popular opinion and the sufficiency of sensory vision by analytical method using library sources to prove the validity of the definitive calculations of the birth of the moon and its compatibility with verses and hadiths. According to the results of the article, the Legislator (Shāri‘) has not provided a new definition of the time frame of the obligation (Shahr) and has introduced the vision as the most conventional way of certainty to prove the crescent. In addition, the rejection of alternative ways other than vision, have been due to the invalidity of suspicion and estimation. The article, after presenting the introductory topics, reconsiders the evidence and evaluates the most important drawbacks of the lunar birth theory.

**Keywords:** Vision of the Crescent, Birth of the Moon, Shahr, Proving the crescent, Astronomical Calculations, Armed eye

فقه واجتهاد  
Vol.8 | No.15 | Spring and Summer 2021 /

---

1. Researcher at: ‘A‘immah Aṭḥār Jurisprudence Center: noormofidim@gmail.com

# فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی  
سال هشتم، شماره پانزدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۰)  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

## اعتبارسنجی محاسبات قطعی تولد ماه در اثبات شرعی هلال

سید محمد مهدی نورمفیدی<sup>۱</sup>

### چکیده

در مسئله چالش برانگیز اثبات هلال ماه قمری، بیشتر فقیهان با استناد به ظاهر ادله، رؤیت حسی را تنها معیار می‌دانند. این در حالی است که با یافته‌های علمی جدید، زمان دقیق تولد ماه را نمی‌توان به صورت یقینی تشخیص داد. این مقاله می‌کوشد با روش تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، نظر مشهور و بسندگی به رؤیت حسی را به چالش بکشد و اعتبار محاسبات قطعی تولد ماه و سازگاری آن با آیات و روایات را به اثبات برساند. نگارنده معتقد است شارع تعریف جدیدی از ظرف زمانی تکلیف (شهر) ارائه نکرده و رؤیت را به عنوان متعارف‌ترین راه یقین به ثبوت هلال معرفی کرده است. نفی راه‌های رقیب رؤیت نیز به دلیل بی‌اعتباری ظن و تخمین بوده است. نوشتار پیش‌رو پس از طرح مباحث مقدماتی، ادله را بازخوانی می‌کند و به ارزیابی مهم‌ترین اشکالات نظریه تولد ماه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: رؤیت هلال، ولادت ماه، اثبات هلال، محاسبات هیوی، چشم مسلح.

## مقدمه

مسئله اثبات هلال ماه قمری و رؤیت هلال از دیرباز از مسائل مهم و پرچالش فقه بوده است. فقها در طول سده‌های پیاپی، زوایای گوناگونی از این بحث را تبیین کرده و هرکدام سهمی در روشن شدن این بحث دارند. با این حال هنوز هم زوایای پنهان و ابهام‌ها و پرسش‌هایی درباره آرای فقیهان در این زمینه وجود دارد.

یکی از بحث‌های مطرح در این زمینه که به نوعی مستحدثه قلمداد می‌شود و کمتر به آن پرداخته شده، مسئله اثبات ماه قمری از طریق محاسبه قطعی تولد ماه است. گرچه فقیهان گذشته در اثبات هلال، روی خوشی به ستاره‌شناسان و اهل حساب نشان نداده‌اند؛ اما با پیشرفت‌های علمی و به ارمغان آمدن دستاوردهای جدید بشری، این پرسش بار دیگر با قوت بیشتری مطرح می‌شود که آیا می‌توان با بازنگری در ادله با حفظ چارچوب‌های فقهی، اعتبار محاسبات قطعی تولد ماه را اثبات کرد؟

نکته اساسی این است که در گذشته، محاسبات یقین‌آور نبود و به جهت کثرت خطا، مورد اعتماد قرار نمی‌گرفتند. آیا امروز که محاسبات ریاضی و هیئوی به حدی دقیق‌اند که جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارند نیز نمی‌توان وقعی به آنها نهاد؟ ضرورت این بحث با در نظر گرفتن این نکته، بیشتر مشخص می‌شود که نظریه اثبات ماه قمری از طریق محاسبات قطعی یا اطمینانی تولد ماه، کارآمدترین نظریه در رفع اختلافات و مناقشات و حل مشکلات رؤیت هلال است. با پذیرش این نظریه، اول ماه و عید فطر در سراسر کره زمین یکسان است و میان هیچ‌یک از سرزمین‌ها در اقصی‌نقاط عالم، تفاوت و اختلافی پدید نمی‌آید. این مسئله نه تنها تکلیف روزه را روشن خواهد کرد؛ بلکه با تکالیف و مناسبت‌های دینی دیگری از قبیل اعمال حج، دیه ماه‌های حرام، شب قدر و... در ارتباط مستقیم است.

با توجه به ظواهر ادله به‌ویژه روایات، مشهور فقها به نظریه رؤیت با چشم عادی (رؤیت حسی) گرایش یافته‌اند. در نوشتار حاضر، دیدگاه مشهور با بررسی احتمالات و سؤالات ذیل به چالش کشیده می‌شود:

الف) رؤیت هلال موضوعیت دارد یا صرفاً از جنبه طریقت برای یقین به ثبوت

ماه برخوردار است؟

ب) آیا معیار حقیقی وجوب روزه، ثبوت ماه واقعی است یا ماه شرعی؟ (اگر چنین حقیقت شرعیه‌ای در مورد ماه وجود داشته باشد) اساساً شرع ظرف زمانی جدیدی برای روزه معرفی کرده یا به ماه واقعی ارجاع داده است؟ فهم عرفی در این مسئله چه جایگاهی دارد؟

ج) مسئله اعتبار رؤیت هلال و تأثیر آن در تکالیفی که متوقف بر ثبوت ماه قمری است، حکمی تأسیسی است یا امضایی؟

تفاوت این نوشتار با پژوهش‌های پیشین در زمینه اعتبار محاسبات ازجمله مقاله «اعتبار قول هیوی در رؤیت هلال» (مختاری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۳) این است که در آنها به اعتبار و حجیت محاسبات در اثبات قابلیت رؤیت پرداخته و از آن دفاع شده است؛ درحالی‌که نوشتار حاضر می‌کوشد با تکیه بر استدلال‌های فقهی به بررسی و اثبات نظریه اثبات هلال از طریق محاسبات قطعی تولد ماه بپردازد. ساختار مقاله از مقدمه، مفاهیم، اقوال و سه بخش اصلی متشکل از بررسی آیات، بررسی روایات و ارزیابی و نقد اشکالات این نظریه تشکیل شده و از روش تحلیلی - اجتهادی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بهره برده است.

## ۱. مفاهیم

پیش از ورود به اصل بحث به توضیح مختصر مفاهیم «تولد ماه»، «شهر» و «هلال» می‌پردازیم:

۱-۱. **تولد ماه:** یا ولادت ظاهری ماه به لحظه خروج قمر از محاق و تحت الشعاع می‌گویند که ماه نو و جدید از آن لحظه آغاز می‌شود. تولد ماه پس از لحظه مقارنه اتفاق می‌افتد که در آن، ماه تحت الشعاع خورشید قرار می‌گیرد و به‌هیچ‌روی قابل رؤیت نیست (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴). از لحظه تولد ماه تا ساعتی که با چشم مسلح دیده می‌شود، هشت تا دوازده، ساعت و تا وقتی که با چشم عادی، امکان دیدن آن وجود دارد، حداقل هجده ساعت زمان می‌گذرد. بنابراین تولد ماه معمولاً یک شب و گاهی دو شب زودتر از رؤیت حسی هلال اتفاق می‌افتد (ر.ک: مختاری، ۱۳۸۸، ج ۵ ص ۳۵ - ۳۹).

۱-۲. **شهر:** شهر در لغت به معنای یک ماه قمری است که دربردارنده ۲۹ یا ۳۰

روز است. برخی از واژه‌شناسان می‌گویند شهر در اصل به معنای هلال بوده و سپس

بر کل ماه اطلاق شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۲). شاید به همین دلیل است که اصل شهر، «شهره» و «ظهور» بوده است؛ زیرا در وجه تسمیه هلال نیز به بروز و ظهور اشاره کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۱۵). راغب اصفهانی معتقد است شهر بر مدت معلومی اطلاق می‌شود که از هلالی آغاز و به هلال دیگر ختم می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۸) برخی معتقدند در برابر ماه عرفی و واقعی، ماه شرعی وجود دارد که آغاز و پایان آن را شارع از رؤیت تعیین کرده است؛ اما چنان‌که خواهد آمد، به نظر می‌رسد شرع مقدس تصرفی در معنای شهر نکرده و همان معنای لغوی و عرفی را معیار قرار داده است. آیت‌الله خویی به این مطلب تصریح کرده است. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۶۰) محقق قمی نیز همان معنای عرفی را ملاک قرار داده است و حقیقت شرعی‌ای برای شهر قائل نیست (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۱۸). البته هردو فقیه معنای عرفی را از رؤیت تا رؤیت می‌دانند که در این باره تردید و تأمل جدی وجود دارد که در ادامه می‌آید.

**۱-۳. هلال:** هلال در لغت به حالت اولیه ماه اطلاق می‌شود. از دیدگاه برخی واژه‌شناسان از ابتدای شکل‌گیری ماه، نام آن هلال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۴۳ ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۷۰۲) برخی همچون آیت‌الله خویی خواسته‌اند قید قابلیت رؤیت را در معنای هلال اضافه کنند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲ ص ۶۱) که به نظر می‌رسد این قید شاهد لغوی ندارد.

## ۲. آرای فقیهان شیعه در اثبات هلال

در مسئله هلال و اثبات شرعی ماه قمری، چهار نظریه و احتمال وجود دارد:

**۲-۱. نظریه رؤیت حسی:** مشهور فقها از قدما تا متأخران، معتقدند هلال ماه قمری صرفاً از طریق رؤیت با چشم عادی (چشم مجرد) اثبات می‌شود و ابزارهای جدید مانند تلسکوپ و محاسبات نجومی و هیوی برای اثبات تولد ماه اعتباری ندارد. مهم‌ترین دلیل مشهور، ظاهر روایات است که در آنها رؤیت هلال به صراحت مطرح شده است. این دسته معتقدند رؤیت انصراف به رؤیت حسی دارد و شامل رؤیت با چشم مسلح نمی‌شود. تولد ماه نیز از اساس اعتبار ندارد؛ زیرا ماه شرعی با رؤیت محقق و اثبات می‌شود (قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۹. طوسی، ۱۴۰۷ق «ب»، ج ۲، ص ۱۶۹).

حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۱. حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۱۷. خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۶۳۸.

**۲-۲. نظریه رؤیت تقدیری:** جمعی از فقها<sup>۱</sup> معتقدند معیار اثبات هلال تنها رؤیت حسی نیست؛ بلکه با قابلیت رؤیت از طریق چشم عادی نیز ماه نو اثبات می شود؛ مثلاً اگر به خاطر وجود مانعی همچون ابر، رؤیت هلال با چشم عادی امکان پذیر نباشد، اما از طرق اطمینان بخش - حتی نظیر محاسبات - اثبات شود که قابلیت رؤیت با چشم مجرد وجود داشته است، براین اساس می توان روزه گرفت. از دیدگاه این گروه نیز چشم مسلح و تولد ماه اعتباری ندارند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۶۱. بهجت، ۱۴۲۶ق، ص ۶۳۱).

**۲-۳. نظریه رؤیت با چشم مسلح:** در برابر مشهور، برخی معاصران<sup>۲</sup> معتقدند اول ماه قمری از طریق استهلال با ابزارهای جدید همچون دوربین های قوی و تلسکوپ و وسائل جدید دیگر اثبات می گردد. پیروان این نظریه بر اساس اطلاق رؤیت در روایات و پذیرفتن انصراف آن را پذیرفته اند. برخی از ادله ای که در این مقاله برای اثبات نظریه تولد ماه خواهیم گفت، برای نظریه چشم مسلح نیز کارایی دارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۳. خامنه ای، ۱۴۲۴ق، ص ۱۷۳).

**۲-۴. نظریه تولد ماه:** این نظریه هنوز به عنوان یک رأی فقهی در میان فقها به عنوان فتوا، جایگاهی نیافته است؛<sup>۳</sup> اما برخی مجتهدان معاصر به آن تمایل نشان می دهند (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۵). بر اساس این نظریه با اثبات تولد ماه از طریق محاسبات قطعی یا اطمینانی، هلال ماه و احکام شرعی آن اثبات می شوند.

### ۳. بررسی آیات مورد استناد در اثبات هلال ماه قمری

#### ۳-۱. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾ (بقره: ۸۹)

مدلول آیه ۸۹ سوره بقره این است که وقتی از پیامبر ﷺ درباره هلال ها می پرسند، خداوند در پاسخ می فرماید: «به آنها بگو هلال ها زمان هایی برای مردم و اعمال حج

۱. از جمله بزرگانی که چنین نظری دارند: آیت الله خویی، شهید آیت الله سید محمد باقر صدر و آیت الله بهجت هستند.

۲. از جمله کسانی که به این مبنا ملتزم شده اند، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و حضرت آیت الله خامنه ای هستند.

۳. آیت الله سید محمد حسین فضل الله در ابتدا چنین نظری داشته اند (مختاری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۸۵).

هستند». مفسران کوشیده‌اند به دو ابهام و پرسش درباره این آیه پاسخ دهند:

(الف) پرسش پرسشگران در این آیه دقیقاً چه بوده است؟

(ب) چگونه هلال که حالت اولیه ماه است، میقات و ظرف زمانی قرار گرفته است؟

در پاسخ به پرسش نخست، شأن نزول می‌تواند راهگشا باشد. مرحوم طبرسی می‌نویسد یهودیان از فلسفه آفرینش هلال‌ها می‌پرسیدند و این آیه نازل شد (طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۸۳). شیخ طوسی معتقد است پرسش از حال و وضع هلال و حکمت زیاده و نقصان آن بوده است (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۱) برخی مفسران با تأکید بر پاسخی که در آیه آمده، به کشف سؤال پرداخته‌اند؛ بنا بر دیدگاه فخر رازی با توجه به پاسخ، سؤال از فایده و حکمت تغییر اهلـه بوده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۸۱). علامه طباطبایی ذکر اهلـه را (که به صورت جمع آورده شده) دلیل بر این می‌داند که پرسش از ماهیت و حقیقت ماه نیست؛ بلکه مورد پرسش، فایده و سبب تغییرات ماه است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۵۵).

این احتمال نیز وجود دارد که اساساً سؤال ارتباطی با حکم شرعی ندارد و به تناسب پرسش، پاسخ نیز در مقام بیان حکم شرعی نیست؛ بلکه فایده و حکمت هلال را بیان می‌کند.

اما پرسش دوم مفسران را بر آن داشته که تأویل و تقدیرهایی برای آیه در نظر بگیرند؛ زیرا به‌روشنی می‌توان تصدیق کرد که هلال که حالتی از حالات ماه است، نمی‌تواند ظرف زمانی قرار بگیرد. از دیدگاه برخی مفسران، تغییرات اهلـه و زیاده و نقصان آنها زمان‌هایی برای کارهای مردم قرار داده شده است. مؤید این سخن ذکر اهلـه به صورت جمع است (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۷). این احتمال نیز وجود دارد که جمع آورده شدن اهلـه، ناظر به هلال ماه‌های گوناگون باشد؛ به سخن دیگر هلال هر ماهی میقات حج و امور دیگر قرار داده شده است، (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۳).

### ۱-۳. تقریب استدلال آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله شبیری

از جمله کسانی که استدلال به این آیه را در اثبات نظریه رؤیت حسی و نفی نظریه چشم مسلح کافی می‌دانند، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله شبیری هستند؛ گرچه استدلال ایشان برای رد نظریه چشم مسلح سامان یافته است؛ اما به‌طریق‌اولی نظریه



تولد ماه را نیز نفی می‌کند.

آیت‌الله سیستانی معتقد است اینکه خداوند اهلۀ را مواقیت للناس قرار داده؛ نشان می‌دهد رؤیت هلال تنها معیار شرعی اثبات ماه قمری است. استدلال ایشان بر این پایه استوار است که هلال میقات للناس قرار داده شده؛ پس ملاکی است که باید عموم مردم بتوانند از آن طریق، ماه را تشخیص دهند و این در رؤیت حسی منحصر است؛ زیرا تنها ملاکی است که برای همه مردم مقدور است، (ر.ک: سیستانی، ۱۳۹۸) آیت‌الله شبیری زنجانی نیز بر همین نکته تأکید می‌کند. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۴).

## ۲-۱-۳. نقد استدلال آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله شبیری

از جهاتی می‌توان در این استدلال مناقشه کرد:

۱. بر فرض پذیرش اینکه رؤیت مدنظر آیه باشد، آیه شریفه در صدد بیان این است که رؤیت هلال برای امور دنیوی و شرعی همانند حج معتبر است: ولی راه‌های دیگر همچون چشم مسلح و محاسبات نجومی را نفی نمی‌کند. درحقیقت آیه شریفه روشی را که در گذشته میان مردم معمول بوده است، امضا می‌کند و دربردارنده حکم تبعیدی نیست. اثبات هلال فقط از طریق رؤیت ممکن نیست؛ بلکه با راه‌های دیگری نیز امکان‌پذیر است. درواقع رؤیت هلال طریقی برای اثبات ماه است و موضوعیت ندارد. بر فرضی که این آیه رؤیت را ملاک قرار دهد - چون انحصار در آیه وجود ندارد و ملاک‌های دیگر را نفی نمی‌کند - نمی‌تواند نظریه‌های رقیب آن را رد کند.

۲. اینکه آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله شبیری تعبیر «لنّاس» را شاهد این می‌دانند که طریق اثبات باید عمومی باشد و این در رؤیت حسی منحصر است، صحیح نیست؛ زیرا راه‌های دیگر همچون چشم مسلح و محاسبات قطعی نجومی نیز به سبب آنکه منفعتش برای مردم است نیز می‌تواند مصداقی برای آنچه برای مردم است، باشد؛ به سخن دیگر لازم نیست مردم خود به‌طور مستقیم تشخیص بدهند؛ بلکه اگر گروه خاصی از راه‌های دیگر هلال را اثبات کنند، آن هم به‌نوعی مورد استفاده عموم قرار می‌گیرد (ر.ک: سروش محلاتی، ۱۳۹۹).

۳. با درنظرگرفتن چینش و ترتیب آیه و اینکه مواقیتی که برای مردم است، در کنار مسئله حج که امری شرعی است، قرار گرفته، می‌توان نتیجه گرفت که تنها

رؤیت مدنظر آیه شریفه نیست؛ زیرا مردم در کارهای عادی خود، همچون قرض و سفر، رؤیت را ملاک نمی‌دانند و آیه نیز ناظر به عرف رایج در میان مردم است. فاضل مقداد مواقیت را به معنای میزانی برای امور عادی و عبادات مردم می‌داند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ص ۱۹۴).

### ۳-۱-۳. تقریب دوم استدلال به آیه و بررسی آن

استدلال دیگری که ممکن است مطرح شود، این است که هلال در اصل لغت از ماده «هَلَل» به معنای بروز و ظهور است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۸۵) و تا وقتی ماه قابل رؤیت نباشد، نمی‌توان نام هلال بر آن نهاد؛ در نتیجه راه‌های دیگر اثبات هلال واقعی از نظر آیه مردود است.

**نقد:** در پاسخ باید گفت درست است که یکی از معانی ماده «هَلَل» بروز و ظهور است؛ اما این در معنای هلال تضيیقی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا این از قبیل وجه تسمیه است و وجه تسمیه قابل استدلال و تعمیم نیست؛ ضمن اینکه بسیاری از واژه‌شناسان هلال را به معنای نخست ماه معنا کرده و بروز و ظهور را در آن دخیل ندانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۷۰۲).

### ۳-۱-۴. سازگاری آیه شریفه با نظریه تولد ماه

در نهایت می‌توان این احتمال را مطرح کرد که بدون اینکه شارع در معنای هلال تصرفی کرده باشد، هلال در هلال واقعی ظهور دارد و هلال واقعی آن است که در آسمان محقق می‌شود؛ حتی اگر با چشم عادی قابل رویت نباشد؛ در نتیجه اگر از طریق دیگری هلال واقعی اثبات شود، ماه قمری و به تبع آن احکام شرعی ماه قمری همچون روزه و حج اثبات می‌شود. (ر.ک: سروش محلاتی، ۱۳۹۹). هرچند این احتمال متعین نیست؛ اما با توجه به مطالب پیش‌گفته، آیه از دو حال خارج نیست: یا اساساً در صدد بیان حکم شرعی نیست و فایده و حکمت تغییر ماه‌ها را بیان می‌کند یا اگر هم در صدد بیان حکم شرعی است و هلال را معیار قرار می‌دهد، راه اثبات آن را بیان نمی‌کند. طبعاً در کنار رؤیت حسی، رؤیت با چشم مسلح یا محاسبات قطعی نجومی تولد ماه نیز می‌توانند هلال واقعی را اثبات کنند.

## ۲-۳. ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ (بقره: ۱۸۵)

معنای آیه ۱۵ سوره بقره چنین است: «پس هرکس که این ماه را دریابد، باید در آن روزه بدارد». «شهود» در لغت به معنای حضور و شهادت آمده است. درباره «شهر» نیز گفته شده اصل این کلمه غیرعربی یا برگرفته از «شهره» به معنای انتشار است (فیومی، بی تا، ج ۲ ص ۳۲۵). برخی خواسته‌اند بر اساس این آیه، نظریه رؤیت حسی را تقویت کنند؛ درحالی که با توجه به بررسی احتمالات که در پی می‌آید، از آیه چنین چیزی استفاده نمی‌شود؛ بلکه می‌توان گفت آیه بر خلاف آن دلالت دارد. در تفسیر آیه چند احتمال وجود دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. شهادت در این آیه به معنای حضور است؛ یعنی هرکس در زمان ورود ماه حضور دارد، باید روزه بگیرد.

گرچه برخی مفسران این احتمال را مطرح کرده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۲)؛ اما احتمال وجیهی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ذکر این مطلب هیچ فایده و نکته‌ای ندارد. بر هیچ‌کس پوشیده نیست کسانی که در این ماه حضور دارند و از دنیا نرفته‌اند، باید روزه بگیرند؛ مگر آنکه مراد تعمیم حکم باشد؛ یعنی آیه به دنبال آن است که هر عذر و بهانه‌ای برای روزه نگرفتن را به استثنای مواردی که در آیه ذکر شده - از بین ببرد. به هر حال بنا بر این احتمال، در آیه هیچ دلالتی بر کیفیت اثبات ماه از نظر شرعی وجود ندارد.

۲. مقصود آیه کسانی است که در شهر مقیم هستند، حضور دارند و توانایی روزه‌گرفتن را دارند؛ درواقع این تعبیر، مسافران و بیماران را خارج می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۸. طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۰۴. اردبیلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۲).

این احتمال نیز با معنای لغوی شهادت و شهود سازگار نیست و قرینه‌ای بر آن وجود ندارد؛ از ادامه آیه که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ (بقره: ۱۸۵)، دقیقاً این مطلب فهمیده می‌شود و جمله دوم به نوعی استثنا از جمله قبل است، نه تأکید و تبیین آن (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۲۴ و ۲۴۷). بنابراین احتمال نیز آیه ارتباطی با اثبات ماه و کیفیت شرعی آن پیدا نمی‌کند.

۲. «شهود» به معنای رؤیت و مراد از «شهر» هلال ماه است؛ زیرا شهر در اصل

لغت به معنای ظهور است؛ ازاین‌رو هلال را شهر نامیده‌اند (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱،

ص ۳۸۰؛ در نتیجه آیه به روشنی بر اعتبار رؤیت هلال برای وجوب روزه تأکید دارد؛ حتی می‌توان ادعا کرد شهود شهر به معنای رؤیت حسی است؛ زیرا هم در لغت شهود و در هم در شهر، آشکار بودن و ظهور نهفته است.

این احتمال نیز مردود است؛ زیرا اولاً شهر در معنای هلال به کار نمی‌رود و برای مجاز بودن نیز به قرینه نیاز دارد؛ ثانیاً کلمه «الشهر» در آیه مفعول فیه است؛ زیرا پس از آنکه می‌فرماید «فلیصمه» حکم بیمار و مسافر بیان می‌شود؛ در حالی که مسافر نیز به یک معنا شاهد است؛ ثالثاً ظهور و آشکار بودن در معنای شهر نهفته نیست؛ بلکه وجه تسمیه آن است و نمی‌توان به وجه تسمیه استناد کرد؛ زیرا پس از تسمیه آن وجه در استعمال دیگر کاربردی ندارد.

۳. شهادت شهر به معنای حضور به همراه علم به دخول ماه است و ارتباطی با رؤیت ندارد؛ بلکه علم به شهر را ملاک قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۲۴).

به نظر می‌رسد این احتمال با معنای لغوی شهود و شهر سازگاری بیشتری دارد؛ بنا بر این احتمال یا باید بگوییم آیه به کلی در مقام بیان طریق اثبات هلال نیست و به طور کلی مسئله علم به دخول شهر را بیان می‌کند یا اینکه در مقام بیان است و می‌تواند حتی به عنوان دلیلی برای قائلان به نظریه تولد ماه مورد استناد قرار بگیرد. با توجه به اینکه اصل در شهر این است که مراد شهر حقیقی باشد (که از زمان تولد ماه آغاز می‌شود) و دلیلی نداریم که شارع در معنای شهر تصرفی کرده باشد؛ بنابراین اگر شخص از طریقی به دخول شهر و حلول ماه واقعی علم پیدا کرد، مانند رؤیت با چشم عادی یا در صورت امکان با چشم مسلح یا حتی از طریق محاسبات قطعی تولد ماه به این یقین رسید - هر چند قابل رویت نبود - مصداق «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (بقره: ۱۸۵) می‌شود - زیرا معنای شهادت علم است - و باید روزه بگیرد. براین اساس این آیه در هیچ صورتی بر مبنای رؤیت حسی دلالت نمی‌کند و حتی بر اساس احتمال قوی‌تر می‌تواند دلیل بر اعتبار نظریه تولد یا چشم مسلح گردد.

#### ۴. بررسی روایات مورد استناد در اثبات هلال ماه قمری

آنچه مشهور را بیش از هر چیز بر آن داشته تا بر نظریه رؤیت حسی پافشاری کنند و اعتبار نظریه محاسبات نجومی برای اثبات تولد ماه یا چشم مسلح را نفی کنند،

تعبیری است که در برخی روایات وارد شده‌اند. برای سهولت بررسی و اختصار، این روایات را به چند دسته کلی تقسیم می‌کنیم و در هر دسته، ضمن ذکر نمونه‌ای از روایات، به بررسی سندی و دلالتی این روایات می‌پردازیم تا روشن شود احتمالات دیگری را نیز می‌توان درباره این روایات طرح کرد.

#### ۴-۱. روایات طریقت رؤیت برای یقین به ثبوت ماه و نفی ظن

در برخی روایات، ملاک وجوب روزه در آغاز ماه و افطار در پایان ماه، رؤیت و دیدن هلال ماه قرار داده شده است. مخالفان نظریه محاسبات نجومی بر اساس این روایات، اثبات ماه از راهی غیر از رؤیت را مخدوش می‌دانند؛ زیرا در این روایات، تعبیر رایج «صم للرؤية وافطر للرؤية» وجود دارد که از دیدگاه مخالفان، با ملاک قرار گرفتن رؤیت راه‌های دیگر نفی می‌شوند.

اشکالی که متوجه این استدلال می‌شود، این است که نهایت چیزی که از این روایات فهمیده می‌شود، اعتبار رؤیت است؛ اما اینکه رؤیت تنها ملاک است و راه دیگری وجود ندارد، از این روایات استفاده نمی‌شود. ما منکر این نیستیم که این روایات در صدد نفی امری در برابر رؤیت هستند؛ اما آنچه نفی می‌شود، لزوماً محاسبات قطعی نجومی نیست. اساساً حصر طرق اثبات هلال در رؤیت از این روایات استفاده نمی‌شود؛ زیرا فقها راه‌هایی همچون حکم حاکم، گذشتن سی روز و شیاع را نیز می‌پذیرند. پس نمی‌توان گفت این روایات هر راهی غیر از رؤیت را نفی می‌کنند. اکنون به بررسی برخی از این روایات می‌پردازیم:

##### ۱-۱-۴. صحیحہ ابویوب خزاز<sup>۱</sup>

ابویوب خزاز می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم چند نفر در رؤیت هلال کفایت می‌کند؟ ایشان فرمود: ماه رمضان فریضه‌ای از فرایض الهی است؛ پس بر اساس ظن و تخمین، آن را به جا نیاورید. رؤیت هلال این گونه نیست که جماعت زیادی برای آن برخیزند؛ اما فقط یک نفر بگوید من دیده‌ام و صد نفر بگویند ما ندیده‌ایم. اگر

۱. در سند این روایت، نام این افراد به چشم می‌خورد که همگی ثقه، امامی و مورد اعتماد هستند: سعد بن عبدالله قمی (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۱۶)، عباس بن موسی الوراق (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۱)، یونس بن عبدالرحمن (کشی، بی تا، ص ۴۸۳) و ابویوب ابراهیم بن عثمان خزاز (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۰).

یک نفر دید، پس صد نفر می‌بینند و اگر صد نفر ببینند، هزار نفر دیده‌اند و در رؤیت هلال، اگر در آسمان مشکلی، (ابر و هر مانع دیگر) نباشد شهادت کمتر از پنجاه نفر کفایت نمی‌کند و اگر در آسمان مانعی باشد، شهادت دو نفر که ورود و خروج به خارج شهر دارند، کفایت می‌کند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶۰).

تعبیر درخور توجه و راهگشا در این روایت، عبارت «فَلَا تُؤْذُوا بِالَّتَطْنِ» است که راه هرگونه اعتماد بر گمان و حدس را می‌بندد. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت ملاک یقین به حصول ماه است و باید از راه‌های ظنی پرهیز کرد. از این بیان وجه اعتبار رؤیت نیز روشن می‌شود که رؤیت موضوعیت نداشته و تنها به دلیل آنکه طریقی یقینی برای اثبات ماه بوده، معتبر دانسته شده است. ضمن آنکه در آن زمان، راه یقینی دیگری وجود نداشته است تا به آن ارجاع داده شود. ذکر شهادت پنجاه نفر که معمولاً یقین آور است نیز شاهد همین مطلب است. درباره رؤیت نیز در این روایت تأکید شده است که رؤیت ظنی و غیراطمینانی کفایت نمی‌کند.

## ۲-۱-۴. صحیحۀ علی بن محمد قاسانی<sup>۱</sup>

علی بن محمد قاسانی می‌گوید: «درحالی که در مدینه بودم، نامه نوشتم به امام (امام جواد علیه السلام) یا امام هادی علیه السلام و درباره یوم‌الشک در ماه رمضان پرسیدم که آیا در یوم‌الشک روزه گرفته شود یا خیر؟ حضرت نوشت: شک داخل در یقین نمی‌شود؛ به خاطر رؤیت، روزه بگیر و به خاطر آن افطار کن» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۹).

در این روایت، نخست امام علیه السلام اشاره‌ای به نقض نشدن یقین به شک می‌کند که همان قاعده استصحاب است. درواقع اگر در اواخر ماه، شک و ظن پدید آمد که ماه به پایان رسیده، نباید به شک اعتنا کرد و شک یقین را متزلزل نمی‌کند؛ اما رؤیت ماه جدید - چون مصداق متعارفی برای یقین است - یقین سابق را نقض می‌کند و موجب رفع ید از آن می‌شود. براین اساس رؤیت موضوعیت ندارد و آنچه ملاک است، یقین به ثبوت ماه جدید است؛ اما در صورتی که با محاسبات یقین‌آور، امکان

۱. وثاقت همه راویان این حدیث به اثبات رسیده است: محمد بن حسن بن احمد ولید (نجاشی)، ۱۴۰۷ق، ص ۳۸۳، محمد بن حسن صفار (نجاشی)، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۴، علی بن محمد قاسانی (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۸).

اثبات تولد ماه جدید بود، مصداق دیگری برای یقین خواهد بود و باید بر اساس آن روزه گرفت یا افطار کرد؛ زیرا در ابتدای روایت آمده است که شک یقین را از بین نمی‌برد؛ پس محاسبات یقینی که مصداق یقین است، می‌تواند دخول ماه را اثبات کند؛ نتیجه اینکه مدلول روایت این است که با شک نمی‌توان از یقین صرف‌نظر کرد؛ اما با یقین جدید می‌توان از یقین سابق و استصحاب آن دست برداشت.

### ۴-۱-۳. روایت اسحاق بن عمار<sup>۱</sup>

از اسحاق بن عمار نقل شده است که گفت: «امام صادق علیه السلام فرمودند: در کتاب [امیرالمومنین] علی علیه السلام آمده است که به خاطر رؤیت هلال روزه بگیر و بر اساس آن افطار کن و از شک و ظن بر حذر باش» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۸).

در این روایت، امام صادق علیه السلام پس از آنکه رؤیت را سبب وجوب روزه و افطار می‌خواند، آن را در مقابل شک و ظن قرار می‌دهد و از عمل به شک و ظن بر حذر می‌دارد. پرسش اساسی اینجا است که اگر راه یقینی غیر از رؤیت وجود داشته باشد، در کدام دسته قرار می‌گیرد؟ از ذیل روایت نتیجه می‌گیریم آنچه ممنوع است، مبنا قرار دادن ظن و شک است و آنچه ملاک معتبر وجوب روزه و افطار قرار داده شده، دستیابی به یقین است؛ حال چه از طریق رؤیت باشد یا از راه دیگری همچون محاسبات قطعی. پس این روایت نیز دلیل روشنی بر طریقت رؤیت و نفی موضوعیت آن است.

### ۴-۱-۴. صحیحۀ محمد بن مسلم

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند آن حضرت فرمود: «زمانی که هلال [ماه

۱. نام راویان مورد اعتماد و امامی مذهب همچون حسین بن سعید اهوازی، (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۰)، فضالۀ بن ایوب ازدی (کشی، بی‌تا، ص ۵۵۶)، سیف بن عمیره (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۹) در سند این روایت به چشم می‌خورد. درباره مذهب اسحاق بن عمار اختلاف نظر وجود دارد. نجاشی او را ثقه و امامی می‌داند (همان، ص ۷۱). برخی معتقدند اسحاق بن عمار ساباطی و اسحاق بن عمار صیرفی دو نفر بوده‌اند و ساباطی را فطحی می‌دانند (نوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۹۱. طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۹). ظاهراً اسحاق بن عمار فطحی نبوده و یک نفر بوده است؛ به دلیل آنکه در روایات و کلمات بسیاری از رجالیان به لقب او اشاره‌ای نشده و همچنین بعید است متعدد بوده باشند و شیخ به یکی از آنها و نجاشی به دیگری اشاره کرده باشد، (خویی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۲). به ترتیب در وثاقت اسحاق بن عمار تردیدی وجود ندارد. اگر او را امامی بدانیم، روایت صحیحۀ و در غیر این صورت موثقه خواهد بود و در هر دو صورت قابل استناد است.

رمضان] را دیدید، روزه بگیرید و آن‌گاه که هلال [ماه شوال] را دیدید، افطار کنید و بر اساس تخمین و گمان نیست»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۷).

درباره دلالت این روایت باید گفت اگر ذیل روایت نبود، امکان داشت بپذیریم یگانه معیار، رؤیت است؛ ولی با توجه به ذیل و اینکه رؤیت نمی‌تواند در برابر ظن و رأی قرار بگیرد، چنین استنتاج می‌شود معیار و ملاک «یقین» است و «ظن و رأی شخصی» ممنوع است. بنابراین محاسبات قطعی که مصداق یقین هستند، نه تنها با این روایت و روایات مشابه آن رد نمی‌شوند؛ بلکه اثبات پذیرند. با این وجود، این سؤال مطرح است که اگر معیار یقین به هلال واقعی است، پس چرا در این روایات، مسئله رؤیت مطرح شده است؟

پاسخ این پرسش آن است که که اولاً در گذشته رؤیت متعارف‌ترین و عمومی‌ترین راه یقین به ثبوت هلال بوده است و محاسبات نجومی و ریاضی، یا به کلی به کار گرفته نمی‌شده یا اگر هم بوده‌اند، به عنوان ابزار همگانی و عمومی که در دسترس همه مردم باشد، شناخته نمی‌شدند. ثانیاً نتیجه محاسبات به شکلی که در آن دوره استفاده می‌شده، یقین‌آور نبوده و چیزی بیش از ظن و گمان به دست نمی‌داده‌اند؛ ولی امروزه محاسبات بسیار دقیق و علمی وجود دارند که با دقت در ساعت و لحظه حلول، تولد ماه را نشان می‌دهند.

## ۴-۲. روایات اعتبار رؤیت به نحو مطلق

در برابر روایات دسته اول که با توجه به قراین و قیود موجود در آن، رؤیت را طریقی برای یقین به ثبوت ماه معرفی می‌کنند، روایات دیگری وجود دارند که به نحو مطلق، رؤیت هلال را ملاک وجوب روزه قرار داده، آن را در برابر ظن و شک

۱. این روایت را مشایخ ثلاث در تمامی کتب اربعه نقل کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴ ص ۷۷. قمی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۲۳. طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۶۳. همو، ۱۴۰۷ق، ج ۴ ص ۱۵۶). شیخ مفید که حجیت خبر واحد را نمی‌پذیرد نیز این روایت را در مقنعه آورده که نشان می‌دهد از دید ایشان قطعیت داشته است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹۶). سلسله اسناد این روایت که در غایت اعتبار است، از ابن ابی عمیر و محمد بن مسلم که از اصحاب اجماع هستند (کشی، بی‌تا، صص ۲۳۸ و ۵۵۶) تا ابویوب خزاز که پیش از این وثاقتش به اثبات رسید و عباس بن معروف (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۱) و علی بن مهزیار (همو، ۱۴۰۷ق، ص ۲۵۴) همگی از ثقات امامی و اجلّا هستند.



و چیز دیگری قرار نمی‌دهند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶۴. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۶).  
قائلان به نظریه رؤیت حسی ممکن است دسته دوم را شاهد سخن خود قرار دهند  
و برای رؤیت، موضوعیت قائل شوند. با توجه به اینکه از دسته اول روایات رؤیت  
هلال، طریقت آن برای یقین و از ظاهر اولیه دسته دوم، موضوعیت فهمیده می‌شود،  
اکنون به وجه جمع این دو دسته از روایات می‌پردازیم.

#### ۴-۳. طریقه جمع بین دسته اول و دوم

تعارض بدوی میان برداشت یادشده از روایات دسته اول و مدلول روایات دسته دوم  
قابل حل است. راه حل آن است که همانند فرایندی که در اطلاق و تقیید پیموده  
می‌شود، روایاتی که دربردارنده قیود و قراینی هستند که رؤیت را از موضوعیت  
خارج می‌نمایند و از آن به عنوان طریقی به یقین و مصداقی رایج برای علم به ثبوت  
اول ماه یاد می‌کنند، مبنا قرار می‌گیرند و روایات مطلق که این قیود را ندارند، در  
کنار آنها فهمیده می‌شوند. درواقع روایات دسته اول مسئله رؤیت در روایات دسته  
دوم را تفسیر می‌کنند و قرینه‌ای برای فهم آن می‌شوند. این راه حل بر مبنای فهم  
عرفی و حمل ظاهر بر اظهر پذیرفتنی است. در روایات دسته اول گرچه عنوان  
مطرح شده رؤیت هلال است؛ ولی با توجه به آنکه قراین موجود در این دسته از روایات  
(همچون قرار گرفتن رؤیت در برابر ظن و شک و همچنین مطرح شدن قاعده نقض  
نشدن یقین به شک) موضوع را توسعه می‌دهند و دربردارنده هر یقینی می‌کنند، روایات  
دسته دوم نیز با این فهم تفسیر می‌شوند. این قراین و قیود روایات مطلق را به نوعی تقیید  
می‌زنند و موضوع آن را تعمیم می‌دهند (ر.ک: سروش محلاتی، ۱۳۹۹).

#### ۴-۴. روایات ممنوعیت عمل بر اساس محاسبه و قول ستاره‌شناسان

یکی از ادله مخالفان اعتبار نظریه تولد ماه که بر اساس محاسبات قطعی است، نهی  
و نکوهش‌هایی است که به قول ستاره‌شناسان و عمل بر اساس حساب به انحای  
گوناگون در روایات اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده است. در این دسته از روایات،  
موضوعات گوناگونی از این دست مطرح شده که به اختصار - ضمن اشاره به برخی  
از این موارد - به بررسی آنها می‌پردازیم:

## ۱-۴-۴. نهی از تنجیم و ترتیب اثر بر قول ستاره‌شناسان و بررسی آن

در پاره‌ای از روایات، نهی شدید و وعده عذاب به تنجیم و منجمان و عمل بر وفق قول آنان به چشم می‌خورد؛ مانند آنکه نقل شده امام صادق می‌فرماید: «منجم ملعون است و کاهن ملعون است و ساحر ملعون است و زن آوازخوان ملعون است و کسی که به او پناه دهد، ملعون است و کسی که از این کسب روزی می‌خورد نیز ملعون است» (قمی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۷). بر پایه این روایات، عده‌ای بر آن شدند که به‌کلی باید محاسبات هیوی و نجومی را وانهاد و دستاوردهای علمی بشر را کنار گذاشت. آیت‌الله تبریزی با استناد به این روایات و روایاتی که خواهد آمد، محاسبات فلکی را به‌کلی بی‌اعتبار می‌داند (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۷، ص ۲۹۸).

**نقد و بررسی:** فارغ از ضعف سندی این دو روایت، استدلال به این روایات برای رد مطلق محاسبات به دو دلیل مخدوش است:

۱. بنا بر آنچه فقیهان امامیه فرموده‌اند و قراین موجود در روایات نیز آن را تأیید می‌کند، این روایات ناظر به ستاره‌شناسان ملحد، کافر و به دور از معارف توحیدی است که قائل به تأثیر نجوم و کواکب در حوادث عالم بوده‌اند. شیخ صدوق در خصال پس از نقل روایت نخست می‌افزایند که منجم ملعون آن کسی است که خداوند را انکار می‌کند. (قمی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۸).

۲. میان علم تنجیم و هیئت تفاوت وجود دارد و خلط بین این دو خاستگاه خرده‌گیری به نظریه تولد ماه شده است. نباید تصور کرد آنچه در نکوهش منجم و فلکی وارد شده، شامل هیوی و اهل حساب نیز می‌شود (مختاری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۳). علم هیئت مبتنی بر قواعد استوار ریاضی است که نتیجه آن قطعی است؛ ولی احکام نجومی (طبق اصطلاحی که در گذشته رایج بوده) دربردارنده مطالبی از قبیل اوضاع و احوال ستارگان و ارتباط آن با حوادث و سعد و نحس ایام است. نتیجه احکام نجومی، اموری حدسی بر اساس قواعد ظنی است؛ زیرا اثرات تکوینی کواکب از امور پوشیده و پنهان است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۵۸). عالم بزرگ شیعه، محقق کرکی نیز بر این تمایز تأکید می‌کند<sup>۱</sup> (عاملی کرکی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۱ - ۳۲).

۱. «والمراد من التنجیم الاخبار عن احکام النجوم. واما علم الهيئة فلا کراهية فيه بل ربما کان مستحباً لما فيه من الاطلاع علی عظم قدرة الله».

## ۲-۴-۴. نهی از عمل بر وفق قول اهل حساب در اثبات هلال و بررسی آن

در روایتی به سند صحیح، پاسخ امام هادی علیه السلام به مکاتبه‌ای در خصوص روزه نقل شده که ظاهر پاسخ حضرت در این مکاتبه، با توجه به قرینه سؤال به نوعی نفی اعتنا به نظر اهل حساب و مبنا قرار دادن رؤیت است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۹۷).

**نقد و بررسی:** به نظر می‌رسد این روایت و روایات مشابه نیر نمی‌تواند محاسبات قطعی را نفی کند؛ بلکه به نوعی آن را تأیید می‌کند. امام علیه السلام در این روایت به طور کلی محاسبه و قول حساب را بی اعتبار نمی‌شمارد؛ بلکه در صورت شک و تردید آن را رد می‌کند. بر این اساس این روایات گرچه محاسبات ظنی که یقین آور نیستند را نفی می‌کند؛ ولی به نوعی با تعبیر «لَا تَصُومَنَّ الشَّكَّ» محاسبات قطعی که یقین به دست می‌دهند را تأیید می‌کند. اینجا نیز همانند روایات دسته نخست، رؤیت در برابر شک قرار گرفته که نشان از طریقت رؤیت برای یقین است. اگر محاسبه و قول اهل حساب به کلی بی اعتبار بود، به جای نهی از روزه شک دار، به طور مستقیم از اعتنا به قول حساب نهی می‌کردند. نهایت چیزی که می‌توان از این روایت استفاده کرد، این است که محاسبات در زمان صدور روایت، همواره یا غالباً یقینی نبوده‌اند که حضرت هادی علیه السلام می‌فرماید: «به شک اعتنا نکن»؛ ولی پرسش اینجاست که با وجود پیشرفت‌های شگرف علمی که امروز شکل گرفته که جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد، باز هم عمل به محاسبات، عمل بر اساس شک است؟

## ۳-۴-۴. نمونه‌هایی از اعتبار محاسبات در فقه<sup>۱</sup>

با مراجعه به سخنان فقهای بزرگ شیعه به مواردی برمی‌خوریم که در اثبات آن فقها

۱. برخی از این موارد از باب رجوع به قول خبره و پذیرش آن و برخی البته بر اساس حجیت علم یا اطمینان است؛ به این معنا که محاسبات موضوعیتی ندارد؛ ولی به هر حال این مطلب نشان می‌دهد نهی از رجوع به محاسبات را به نحو کلی نپذیرفته‌اند. آیت‌الله سید احمد خوانساری پس از نقل اشکال مشهور در اعتبار قول هیوی و حساب در رؤیت هلال می‌فرماید: «رفع ید از قول آنان در حالی که اهل خبره هستند، مشکل است» (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۰۰). اشکالی که ایشان نقل می‌کند نیز صرفاً اشتباهات و احتمال خطا و همچنین اختلاف منجمان است که خارج از فرض ماست؛ زیرا همان‌گونه که گذشت، فرض ما یقین آور بودن یا اطمینانی بودن این راه‌هاست و در صورتی که این چنین نباشد، ما نیز معتقد به عدم اعتبار هستیم.

محاسبات و قول هیوی را پذیرفته‌اند. اثبات قمر در عقرب<sup>۱</sup> (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۳)، نماز آیات، مدت زمان آن و خسوف و کسوف (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۱)، تعیین جهت قبله<sup>۲</sup> (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۹۸)، اثبات قابلیت رؤیت هلال (مختاری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۵ و ج ۴، ص ۲۶۵۹. بهجت، ۱۴۲۶ق، ص ۶۳۱) از جمله این موارد هستند. درست است که موارد یادشده دلیلی پذیرفتنی برای اثبات هلال ماه از طریق محاسبه قطعی نیستند؛ ولی از این مطالب به دست می‌آید که اولاً ممنوعیتی برای محاسبات در فقه وجود ندارد؛ زیرا فقها در بسیاری از موارد اثبات امور از طریق محاسبات مطمئن را می‌پذیرند؛ بنابراین نمی‌توان ادعا کرد شارع از عمل بر وفق محاسبات نهی کرده است. ثانیاً این امور می‌توانند به عنوان مؤید در بحث اثبات هلال مورد توجه قرار گیرند.

## ۵. بررسی اشکالات نظریه تولد ماه

اشکالات متعددی می‌توان به نظریه تولد ماه وارد کرد که یک‌به‌یک به بررسی آنها می‌پردازیم:

### ۵-۱. اطلاق نشدن هلال بر حالت اولیه ماه هنگام تولد

بر فرض که بپذیریم مراد از «شهر» ماه واقعی است که از تولد ماه آغاز می‌شود، نه ماه شرعی، مشکل اساسی این است که وجوب صوم در روایات بر اساس ثبوت شهر و ماه مطرح نشده؛ بلکه آنچه ملاک است، رؤیت هلال است و پیش از زمانی که قابل رؤیت باشد، اساساً هلال صدق نمی‌کند؛ زیرا هلال زمانی اطلاق می‌شود که

۱. البته شیخ انصاری نخست در اعتماد به قول اهل حساب - به خاطر کثرت اشتباهشان - خدشه می‌کند؛ ولی سپس درباره امور بدیهی و یقینی می‌پذیرد. البته این اشکال به دلیل صغروی بودن، خدشه‌ای در استدلال ما وارد نمی‌کند. به هر حال مهم این است که شیخ در صورت یقینی بودن، این مطلب را پذیرفته است.

۲. شیخ بهایی ادعای اعتنا نکردن به علم هیئت در تعیین قبله را رد می‌کند و به سخن شهید اول در ذکر استناد می‌کند که اکثر امارات تعیین قبله از علم هیئت گرفته شده‌اند. سپس بحث مفصلی درباره یقین‌آور بودن و اتقان این علوم می‌کند (عاملی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۴۰ - ۲۴۳). صاحب‌جوهر در این‌باره تصریح می‌کند در قبله می‌توان به قواعد هیئت رجوع کرد و از اهل حساب تقلید نمود؛ بلکه از دید ایشان این اماره از هر نشانه دیگری مطمئن‌تر است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۴۳).

لبه نورانی ماه دیده شود و در زمان تولد، امکان رؤیت وجود ندارد. وجه تسمیه هلال نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

**پاسخ:** اولاً بر اساس سخنان واژه‌شناسان، هلال به اول ماه اطلاق می‌شود (زیبیدی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۸۰۸) و بر لحظه تولد، اول ماه صدق می‌کند. البته درست است که هلال از معنای ظهور و بروز گرفته شده است؛ به‌طور کلی استناد به وجه تسمیه صحیح نیست؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً بیان شد، در وجه تسمیه، مجرد مناسبت کفایت می‌کند و لازم نیست در همه موارد تطبیق‌پذیر باشد. ثانیاً حتی اگر بپذیریم اطلاق هلال بر حالت اولیه ماه در زمان ولادت صحیح نیست، همچنین اشکالی به نظریه تولد ماه وارد نمی‌شود؛ زیرا همان‌گونه که برای رؤیت، موضوعیتی قایل نبودیم و آن را طریق می‌دانستیم، وضع هلال نیز این چنین است؛ ضمن اینکه در آیه شریفه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ (بقره: ۱۸۵) علم به «شهر» معیار و جوب روزه قرار گرفته و به یقین در زمان تولد ماه، علم به ثبوت ماه وجود دارد؛ هر چند امکان رؤیت موجود نباشد. این روایات مفسر آیه نیستند که ادعا شود بر اساس روایات، آغاز شهر از رؤیت است؛ زیرا در هیچ یک از روایات، قرینه‌ای وجود ندارد که نشان دهد در مقام تفسیر آیه، رؤیت بیان شده است.

## ۵.۲. استحاله تخیر بین اقل و اکثر

لازمه پذیرش مبنای تولد ماه در کنار رؤیت هلال، تخیر میان اقل و اکثر است و تخیر میان اقل و اکثر اساساً معقول نیست و محال است؛ زیرا معنا ندارد شرع مقدس دو ملاک را که یکی از آنها همیشه زودتر از دیگری محقق می‌شود، در عرض یکدیگر قرار دهد و مکلف را میان آنها مخیر کند. این اشکال درباره نظریه رؤیت با چشم مسلح نیز مطرح می‌شود؛ زیرا هم تولد ماه و هم رؤیت با تلسکوپ و ابزار جدید همواره زودتر از رؤیت حسی محقق می‌شوند (مختاری، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۴۴).

**پاسخ:** تخیر میان اقل و اکثر در موردی که هردو عنوان ظاهری و برای رسیدن به یک حقیقت باشند، مانعی ندارد، مانند «خفاء اذان» و «خفاء جدران». در بحث فعلی نیز رؤیت و تولد طریق برای یک حقیقت هستند. آنچه ممنوع است، تخیر بین اقل و اکثر در دو امر واقعی است (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۹). مطلب دیگر

آنکه در اینجا در حقیقت تخییری وجود ندارد؛ بلکه هردو معیار در طول هم قرار دارند؛ یعنی اگر محاسبات برای اثبات تولد ماه ممکن نبود، بر اساس رؤیت هلال عمل شود و اگر ممکن بود، بر اساس محاسبات دقیق ثبوت ماه تشخیص داده شود؛ پس درواقع تخییری وجود ندارد.

### ۵-۳. تنافی با عمل پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام و مسلمانان در اعصار گذشته

اگر تولد ماه مبنای آغاز ماه قمری قرار گیرد - چون تولد ماه همواره پیش از رؤیت حسی اتفاق می افتد - با عمل پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومان علیهم السلام و مسلمانان در دوره های گذشته چگونه قابل جمع است؟ پذیرفتن مبنای تولد با نفی رؤیت حسی ملازمه دارد؛ بنابراین اعمال آنان تخطئه می شود و این قابل التزام نیست. افزون بر اینکه لازمه این مبنا این است که فرزندان ذکور باید روزه های گذشتگان را قضا کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

**پاسخ:** این مطلب فراتر از یک استبعاد نیست؛ ولی دو راه حل برای این اشکال وجود دارد:

۱. **راه حل اصولی:** در علم اصول، جمع میان حکم واقعی و ظاهری به انحای گوناگون پذیرفته شده و هیچ ایرادی ندارد که حکم واقعی ثبوت ماه از طریق اثبات تولد ماه باشد و حکم ظاهری رؤیت هلال و روایات بیانگر حکم ظاهری هستند؛ چون در آن زمان، ابزار رسیدن به واقع وجود نداشته است. بنای پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام نیز این نبوده که در این موارد از علم غیب بهره گیرند و مکلف به ظواهر بودند. ضمن اینکه ابزارهای جدید اساساً در آن زمان وجود نداشته و برای مردم قابل فهم نبوده اند. براین اساس هیچ خللی بر عمل متقدمان وارد نمی شود. اگر هم استبعاد از جهت تفویت مصلحت واقعی مطرح شود، باید گفت بر مبنای رؤیت حسی نیز در بسیاری از موارد اشتباه رخ می دهد و مصلحت واقعی تفویت می شود و نمی توان ادعا کرد واقع متغیر است، در شهری هلال را می بینند و در شهر دیگری در همسایگی آن شهر هلال دیده نمی شود.

۲. **راه حل فقهی:** راه حل دومی که هم کارآمد تر است و هم به تخطئه عمل گذشتگان و حتی تفویت مصلحت واقعی نمی انجامد، این است که بگوییم:

اینکه ماه چه زمانی آغاز می‌شود، از قبیل موضوع است، نه حکم و تشخیص موضوع بر عهده مکلفان است؛ مثلاً شارع مقدس معین فرموده که در نماز باید به سمت قبله نماز خواند؛ ولی تشخیص سمت و سوی قبله بر عهده مکلف است. گذشتگان که تعیین دقیق قبله برایشان میسر نبود، همین‌که به صورت تقریبی به سمت مکه نماز می‌خواندند، وظیفه خود را انجام داده بودند و واقع را نیز از دست نمی‌داده‌اند؛ چون در تشخیص موضوع، راهی جز این نداشته‌اند؛ اما امروز که می‌توان جهت دقیق قبله را از طریق قبله‌نما یافت، فقها می‌گویند باید به صورت دقیق به سمت قبله نماز خواند (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۳۸). اساساً چه ایرادی دارد شارع مقدس در مسئله اثبات ماه همانند قبله، دو ملاک گوناگون که در طول هم هستند، قرار داده باشد؟ به این معنا که برای آنان که به راهی برای اثبات تولد ماه دسترسی نداشته‌اند، معیار واقعی رؤیت باشد و برای افرادی که در زمان‌های بعد، امکان تشخیص دقیق موضوع را دارند، تولد ماه معیار باشد (ر.ک: سروش مولائی، ۱۳۹۹).

البته این اشکال به بحث رؤیت هلال منحصر نیست و در مسائل فراوانی با این پرسش روبه‌رو هستیم؛ برای نمونه مسلمانان در دوره‌های گذشته در ظرف شک همواره به قاعده «الولد للفراش» عمل می‌کرده‌اند؛ درحالی‌که امروز در برخی موارد با انجام آزمایش DNA و ازبین‌رفتن شک، مجالی برای این قاعده پدید نمی‌آید و به صورت قطعی می‌توان مشخص کرد فرزند متعلق به چه کسی است. فقها DNA را می‌پذیرند؛ درحالی‌که همین دآوری و پرسش درباره عمل گذشتگان که به این ابزارهای جدید دسترسی نداشته‌اند، در این مسئله نیز مطرح است (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۱).

## نتیجه‌گیری

پس از بررسی ادله و ارزیابی اشکالات، آنچه از مجموع مطالب گذشته به دست می‌آید، در امور ذیل خلاصه می‌شود:

۱. بر اساس آیه ۱۸۵ سوره بقره، مجرد علم به حصول شهر و تولد هلال در اثبات ماه قمری کفایت می‌کند. مراد از شهر، شهر واقعی است و شارع مقدس تصرفی در معنای شهر نکرده است. درواقع حقیقت شرعی در اینجا وجود ندارد.

۲. با توجه به قراین موجود در روایات، رؤیت هلال موضوعیت ندارد و طریقی

برای رسیدن به واقع ماه است. از جمله شواهد این مطلب می‌توان به قرار گرفتن رؤیت در برابر شک و ظن و طرح آن به عنوان مصداقی برای یقین اشاره کرد. تأکید بر رؤیت برای رد محاسبات نبوده است، بلکه برای نفی مسامحه‌کاری در رؤیت است. روایات مطلقه نیز که دربردارنده این قراین نیستند را باید بر روایات مذیل و مصدر به قراین حمل کرد. براین اساس روایاتی که طریقت رؤیت را بیان می‌کنند، مفسر روایات مطلق‌اند که در موضوعیت ظهور دارند. حتی خود هلال نیز موضوعیت ندارد؛ هرچند به عقیده نگارنده در زمان تولد ماه نیز هلال صادق است.

۳. در ارزیابی روایاتی که از آن بوی نهی از محاسبات استشمام می‌شد، به این نتیجه رسیدیم که برخی از آنها در مقام نکوهش تنجیم و احکام نجومی هستند که با هیئت متفاوت است و مقصود منجم کافر است. برخی دیگر نیز ناظر به محاسبات تخمینی و ظنی هستند که احتمال خطا در آنها بالاست. این نشان می‌دهد محاسبات قطعی و اطمینانی مخدوش نیستند.

۴. هیچ‌یک از اشکالات نظریه تولد ماه توان برهم‌زدن این نظریه را ندارند. همان‌گونه که گذشت، اشکال استحاله تخییر بین اقل و اکثر وارد نیست؛ زیرا هردو معیار در طول هم قرار دارند و تخییر در اینجا وجود ندارد. اشکال تخطئه عمل گذشتگان نیز با دو راهکار فقهی و اصولی پاسخ داده شد.

بنابراین از مجموع بحث‌های گذشته به دست می‌آید که نظریه تولد ماه از اتقان کافی برخوردار بوده و از نظر ادله اثبات‌پذیر است. ضمن اینکه اشکال اساسی نیز متوجه آن نیست.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والاثار*. قم: اسماعیلیان.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ هـ ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زبدة البیان فی احکام القرآن*. تهران: المکتبة الجعفریة.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین دزفولی (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۶. بهجت، محمد تقی گیلانی فومنی (۱۴۲۶ق). *جامع المسائل*. قم: دفتر معظم له.
۷. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *صراط النجاة*. قم: دار الصدیقه الشهیده علیه السلام.
۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *تاج اللغة وصحاح العربیة*. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۱). *دروس هیئت و دیگر رشته های ریاضی*. قم: دفتر تبلیغات.
۱۲. حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: اسماعیلیان.
۱۳. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۰۱ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: آل البيت علیهم السلام.
۱۴. خامنه ای، سید علی (۱۴۲۴ق). *اجوبة الاستفتاءات*. قم: دفتر رهبری.
۱۵. خمینی، سید روح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*. قم: دارالعلم.
۱۶. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. قم: اسماعیلیان.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعة الامام الخوئی*. قم: مؤسسه احیاء آثار امام الخوئی.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). *معجم رجال الحديث*. قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
۲۱. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۰۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
۲۲. زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب صوم*. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۳. سروش محلاتی، محمد (۱۳۹۹). *خبرگزاری بین المللی قرآن* (ایکنا). [iqna.ir/fa/news/3905745](http://iqna.ir/fa/news/3905745)
۲۴. سیستانی، سید علی (۱۳۹۸). *خبرگزاری بین المللی شفقنا*. [fa.shafaqna/news/948952](http://fa.shafaqna/news/948952)
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: المکتبة الاسلامیة.

۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲ق). *جوامع الجامع*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ق). *الاستبصار*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق «الف»). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق «ب»). *الخلاف*. قم: جامعه مدرسین.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق). *فهرست کتب الشیعه وأصولهم وأسماء المصنّفين وأصحاب الأصول*. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۴. عاملی، بهاء الدین محمدبن حسین (۱۳۹۰ق). *الحبل المتین فی احکام الدین*. قم: کتاب فروشی بصیرتی.
۳۵. عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۶. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۴۰۰ق). *اعتبار ابزار جدید در رؤیت هلال*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۷. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله سیوری حلی (۱۴۲۵ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: مرتضوی.
۳۸. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. فیومی، احمدبن محمدبن مقری (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير لرافعی*. قم: منشورات دار الرضی.
۴۰. قمی (صدوق)، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.
۴۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق). *المقتع*. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۴۲. کشی، محمدبن عمر (بی تا). *اختیار معرفه الرجال*. مشهد: مؤسسه نشر آثار مشهد.
۴۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۴. مختاری، رضا (۱۳۸۸). *رویت هلال*. قم: بوستان کتاب.
۴۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد (۱۴۱۷ق). *غنائم الايام فی مسائل الحرام والحلال*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۶. مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق). *المقنعه*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). *چند نکته مهم درباره رویت هلال*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۸. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۰۷ق). *رجال النجاشی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۹. نجفی، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۰. نوری، حسین (بی تا). *خاتمه مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۵۱. همدانی، آقارضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ق). *مصباح الفقیه*. قم: مؤسسه الجعفریه.
۵۲. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.